

قلمروهای درس سیزدهم - شعرخوانی «دلیران و مردان»

لغات مهم درس:

+ برکشیدن: بیرون کشیدن / جدا کردن / گستردن / پوشاندن

+ خِطّه: سرزمین

+ نغز: خوش و خرم

+ فرخنده: مبارک

+ کنام: لانه، آشیانه

+ ره: بار، مرتبه

+ هژیر: خوب، پسندیده؛ چابک، چالاک

+ فراز آمدن: رسیدن، نزدیک آمدن

+ فوج: گروه، دسته

+ خدنگ: درختی بسیار سخت، محکم و صاف که از چوب آن، نیزه، تیر، زین اسب و مانند آنها می‌ساختند.

*در گذر زمان، شکل نوشتاری و گفتاری برخی کلمات تغییر می‌کند؛ مانند: سپید

← سفید / اسپ ← اسب

ضرب‌المثل‌های مشابه:

- خورد گاو نادان ز پهلوی خویش (از ماست که بر ماست)
- کار جهان وبال جهان دان که بر خدنگ / پَرّ عقاب آفت جان عقاب شد
- دشمن خواجه به بال و پر، مغرور مباد / که هلاک و اجل مورچه بال و پر اوست

حماسه: در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح ادبی، شعری است با ویژگی‌های زیر:

- داستانی: هر حماسه‌ای در بستری از حوادث شکل می‌گیرد.
- قهرمانی: شاعر حماسه‌سرا با بهره‌گیری از واژگان و زبان حماسی می‌کوشد انسانی را به تصویر کشد که از نظر توانایی‌های جسمی و روحی از دیگران متمایز باشد.

- قومی و ملی: شاعر حماسه‌سرا بر آن است که اخلاق فردی و اجتماعی و عقاید فکری و مذهبی یک ملت را در قالب حوادث قهرمانی و در زمینه‌ای از واقعیات به نمایش بگذارد.

- حوادثی خارق العاده: طرح حوادث، انسان‌ها و موجوداتی که با منطق عینی و تجربه علمی هم‌سازی ندارند؛ نظیر وجود سیمرغ در شاهنامه فردوسی.